

نقش مفاهیم ارزش محور

در سامان‌دهی ساختار نظام اقتصادی «بررسی تطبیقی نظام سرمایه‌داری و اسلامی»

economy.islamic@gmail.com

احمدعلی یوسفی / دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

ghafari.mojtaba@cmail.ir

مجتبی غفاری / دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۴

چکیده

در هر نظام اقتصادی «مفاهیم ارزش محور» جهت‌دهنده افکار، رفتارهای اقتصادی و نیز مؤثر بر ساختارها می‌باشند. تولید و تفسیر این مفاهیم وابستگی شدیدی به مبانی هستی‌شناختی مورد پذیرش دارد. این مقاله با روش تحلیلی به بررسی نقش مفاهیم ارزش محور در سامان‌دهی نظام اقتصادی می‌پردازد. در این بررسی که به روش «تحلیلی و توصیفی» سامان یافته، مفاهیم ارزش محور نظام اقتصادی سرمایه‌داری و نظام اقتصادی اسلام به شکلی مقایسه‌ای بررسی می‌شوند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نظام اقتصادی سرمایه‌داری به واسطه ابتناء بر مفاهیم ارزش محور خاص خود، منطقی‌دارای ساختار یک‌بخشی سرمایه‌سالاری با سه مؤلفه «هدف‌پیگیری منفعت‌مادی شخصی»، «اصل رفتاری رقابت آزاد اقتصادی» و «مالکیت خصوصی فردی» است. در مقابل، نظام اقتصادی اسلام به واسطه اتکاء بر مفاهیم ارزش محور اسلامی دارای ساختاری چهاربخشی است که هر بخش آن با سه مؤلفه خاص مشخص می‌گردد. این نوع استخراج ساختار بر اساس مفاهیم ارزش محور حاکی از تفاوت میان مسائل، پرسش‌ها و راه‌حل‌ها در نظام اقتصادی اسلامی و نظام اقتصادی سکولار است.

کلیدواژه‌ها: مفاهیم ارزش محور، ساختار اقتصادی، اقتصاد اسلامی، اقتصاد سرمایه‌داری.

طبقه‌بندی JEL : A11, B59, P40

«مفاهیم»، هم ابزاری برای تفکر هستند، هم می‌توانند جهت‌دهنده افکار و بسترساز فرهنگ و نظام اجتماعی و اقتصادی جدیدی باشند. برای نمونه، فرهنگ جاهلیت پیش از اسلام، بر محور برخی از مفاهیم سازمان یافته بود. بعضی از این مفاهیم که در تکوین یک نظام اجتماعی دخیل بود، عبارتند از: قبیله، عشیره، ولاء و اصنام کعبه، ماه‌های حرام، برده، ثروت و فرزند پسر. اما اسلام با ظهور خود، مفاهیم نوینی را در زندگی مردم وارد ساخت: الله، توحید، ایمان، علم، یقین، تقوا، غیب، وحی، رسالت، انفاق، عبودیت، بیت‌الله، ابراهیم حنیف، ثواب، عقاب، نذیر، بشیر، بلاغ، قیامت، ابدیت، بهشت، دوزخ، نماز، جهاد، قرآن، سنت، بدعت و مانند این‌ها (ر.ک: پارسانیا، ۱۳۷۶). روشن است که این دو نوع مفاهیم، از دو دسته مبانی متفاوت سرچشمه می‌گیرد و بستر شکل‌گیری دو نوع فرهنگ و نظام اجتماعی و اقتصادی متفاوتی را اقتضا دارند.

همچنین مفاهیم، اصلی‌ترین عناصر ساختار یک دانش به‌شمار می‌رود که نقش انتقال داده‌ها، تعیین قلمرو و جغرافیای آن دانش را بر عهده دارند (کریمی، ۱۳۸۸، ص ۱). در واقع، مفاهیم اجزای اصلی نظریه‌های علمی هستند (ترنر، ۱۹۸۹، ص ۱۵) و توسعه نظریه‌ها متکی بر مفاهیمی است که اندیشمندان در طول تاریخ علم مطرح کرده‌اند. مفاهیم عناصری نمادی یا انتزاعی هستند که نشانگر اشیاء و ویژگی‌ها، پدیده‌ها می‌باشند. بر اساس مفاهیم است که می‌توان ایده و دیدگاه خاصی را در توضیح پدیده‌ها یا رویدادها ارائه نمود، و از طریق مفاهیم است که انسان‌ها از تفکرات یکدیگر آگاه می‌شوند (ایمان، ۱۳۹۰، ص ۲۷). پس مفاهیم ابزارهایی هستند که ما با کمک آنها می‌اندیشیم و پیرامون خود را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. در واقع، مفاهیم، ابزار شناخت و ساخت نظریه‌ها و برداشت‌های تجریدی و ذهنی از واقعیات هستند (بخشایش اردستانی، ۱۳۸۴، ص ۴۰).

مفاهیمی که در علوم انسانی، از جمله اقتصاد به کار گرفته می‌شود، غالباً مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی خاصی شکل می‌گیرند. این قبیل مفاهیم به لحاظ مفهومی و معنایی، جهت‌گیری خاصی را القا می‌کنند. به این قبیل مفاهیم، مفاهیم ارزش‌محور گفته می‌شود. در تعریف این قبیل مفاهیم، هرگز نمی‌توان یک تعریف مشترک برای همه فرهنگ‌ها ارائه داد، بلکه در هر فرهنگی مبتنی بر مبانی آن فرهنگ، باید آنها را تعریف و تبیین نمود. در عرصه اقتصادی، مفاهیمی همانند «بخش خصوصی»، «مالکیت خصوصی»، «رقابت»، «آزادی اقتصادی» و «سود مادی»، مفاهیمی ارزش‌محور هستند و مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی سرمایه‌داری شکل گرفته‌اند و جهت‌گیری خاصی را در عرصه اقتصادی القا می‌کنند. اگر در کشف و طراحی نظام اقتصادی اسلام به این امر توجه نشود، ممکن است این مفاهیم انسان را به مسیری غیر متناسب با جهت‌گیری‌های اسلامی هدایت کنند.

فرایند مفهوم‌سازی نظام اقتصادی سرمایه‌داری و تفسیر خاص از آنها، نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم اقتصادی بر اساس نوع خاصی از هستی‌شناختی شکل می‌گیرند. در واقع، مقصود اصلی این مقاله بیان آن است که

مفاهیم ارزش‌محور، که بر اساس مبانی هستی‌شناختی خاصی کشف و استخراج می‌شوند و در نظام و ساختار اقتصادی دیگر با مبانی هستی‌شناختی متفاوتی استعمال می‌شوند، غالباً مشترک لفظی هستند و معنا و مفهوم واقعی آنها ممکن است تفاوت جدی در دو نظام داشته باشند. بی‌توجهی به این تفاوت اساسی ممکن است محققان اقتصاد اسلامی و جامعه اقتصاد اسلامی را به سمتی هدایت کند که هماهنگ با مبانی و معارف نظام اقتصادی اسلام نباشد و در بلندمدت، دچار تمام مشکلات نظام‌های اقتصادی سکولار شوند و از مزایای نظام اقتصادی مبتنی بر مبانی و معارف اسلامی محروم گردند.

در نظام سرمایه‌داری، پس از آنکه اراده الهی به عنوان خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی متنفی شد، اراده انسان به عنوان خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی قرار گرفت؛ یعنی اراده و خواست انسانی که بریده از عالم اعلی و اخری است. بر اساس انسان‌محوری، هدف فعالیت اقتصادی تنها سود مادی شخصی معرفی شد. از آن رو که اهداف ناشی از مبانی، امری مقدس و ارزشی تلقی می‌شود و هرچه انسان بتواند به آن هدف دست یابد، سعادت‌مندتر معرفی می‌گردد، تجمیع مالکیت امری ارزشی و مقدس معرفی شد و مالکیت خصوصی فردی اصل قرار گرفت. پس هر کس حق دارد برای دستیابی به سعادت، به تجمیع مالکیت بیشتری دست پیدا کند. از آن رو که منابع - دست کم بالفعل - محدود هستند، در تحصیل مالکیت بیشتر بر ثروت و درآمد جامعه، تزاخم پیش می‌آید که نتیجه آن رقابت است. بنابراین، رقابت آزاد اقتصادی تنها اصل رفتاری قابل قبول معرفی گردید. چون هر ساختار اقتصادی با سه عنصر «هدف فعالان اقتصادی»، «نوع مالکیت» و «اصل رفتاری خاص» سامان می‌یابد، در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، ساختار بخش خصوصی با سه مؤلفه بیان شده، به عنوان ساختار مبتنی بر مبانی آن نظام معرفی شد.

اگر نوع هستی‌شناختی انسان تغییر کند، فرایند تولید مفاهیم و نیز تفسیر آنها و همچنین ساختار اقتصادی ناشی از آن مبانی و مفاهیم متفاوت خواهد شد. اگر به‌جای انسان‌محوری، خدامحوری و توحید افعالی و عملی، خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی قرار گیرد، فرایند مفهوم‌سازی و تفسیر آنها نیز متفاوت خواهد شد. بر اساس این خاستگاه، ممکن است انواع اهداف اقتصادی، مالکیت، اصول رفتاری و بخش‌های اقتصادی ساماندهی شوند و تفسیر متفاوتی نیز از آنها ارائه گردد. همچنین در مقام اولویت‌گذاری، ممکن است برخی بخش‌ها با نوع خاصی از پیگیری هدف فعالان اقتصادی، اصل رفتاری اقتصادی، و مالکیت در نظام اقتصادی اسلام، در اولویت قرار گیرد. بنابراین، بی‌توجهی به این موضوع، ممکن است مشکلاتی را برای نظام اقتصادی اسلام فراهم کند و همه فعالان اقتصادی و مردم را در عمل، با ابهاماتی مواجه سازد.

با توجه به مطالب بیان شده، در این نوشتار به بررسی تأثیر مفاهیم ارزش‌محور در شکل‌دهی ساختار نظام اقتصادی می‌پردازیم. منظور از مفاهیم ارزش‌محور مفاهیمی است که بر اساس مبانی هستی‌شناسی، تولید و تفسیر می‌شوند، و منظور از «ساختار نظام اقتصادی»، بخش اقتصادی است که با سه مؤلفه: هدف، نوع

مالکیت و اصل رفتاری خاصی، مشخص می‌شود. در واقع، هر بخش اقتصادی از یک هدف ناشی از مبانی، نوعی مالکیت و اصل رفتاری متناسب با آن هدف مشخص می‌شود، به گونه‌ای که با تغییر هدف، نوع مالکیت و اصل رفتاری متفاوت می‌شود و از این طریق، بخش‌های اقتصادی گوناگونی شکل می‌گیرند. با کنار هم قرار گرفتن بخش‌های گوناگون اقتصادی، ساختار نظام اقتصادی سامان می‌یابد.

بنا به فرضیه مقاله، مفاهیم ارزش‌محور، که بر اساس مبانی هستی‌شناختی تولید و تفسیر می‌شوند، در شکل‌دهی بخش‌ها و ساختار نظام اقتصادی تأثیر جدی دارند. این تأثیر ممکن است به گونه‌ای باشد که مفاهیم اقتصادی و سایر ابعاد اشاره شده در دو نظام متفاوت باشند، یا در صورت تشابه لفظی، تنها در حد مشترک لفظی ظاهر شوند. بنابراین، اگر به این امر در فرایند فعالیت‌های اقتصادی، به ویژه در نظام‌سازی اقتصادی اسلامی، توجه نشود، ممکن است با اشتباهات جدی مواجه شویم و نظام اقتصادی اسلام در مسیری غیر صحیح قرار گیرد.

لازم است توجه شود که آنچه در این نوشتار به دنبال آن هستیم بحث از ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها نیست، بلکه بحث از مفاهیم خاصی است که بر اساس مبانی و معارف اساسی هر نظام اقتصادی استخراج می‌شود و در جهت‌دهی اذهان و علوم انسانی و استخراج ساختار اقتصادی با مؤلفه‌های خاصی، اثرگذار است.

برای دست‌یافتن به پاسخ پرسش پیش‌گفته و بررسی فرضیه بیان شده، از روش «تحلیلی و توصیفی» و با بررسی محورهای بحث، تحقیق دنبال می‌شود.

لازم به تأکید است که بررسی محورهای گفته شده، به اختصار و برای نشان دادن تأثیر مبانی در شکل‌گیری مفاهیم ارزش‌محور و در نتیجه، در ساختار نظام اقتصادی است. اما استخراج همه ابعاد و اجزای نظام اقتصادی اسلام نیازمند مباحث مفصل و عمیقی است که از حوزه این تحقیق خارج است.

پیشینه تحقیق

برخی از اجزا و مثال‌های این نوشتار در سایر منابع تحقیقات اقتصادی وجود دارد، اما این تحقیق با این رویکرد - چگونگی تولید و ایجاد مفاهیم ارزش‌محور و نقش آنها در ساماندهی ساختار نظام اقتصادی و نیز تأثیرشان در جهت‌دهی اذهان و علوم اقتصادی - بی‌پیشینه است.

جایگاه مفاهیم ارزش‌محور

مفاهیم به طور کلی به سه دسته شرعی، عرفی و عقلایی، و همچنین مفاهیم ارزش‌محور تقسیم می‌شوند. مفاهیم شرعی، مثل نماز، روزه و حج از ناحیه شرع وضع شده‌اند یا حدود آنها، مثل آب‌گرم و آب‌قلیل از سوی شارع مشخص گردیده است. برای شناخت این‌گونه مفاهیم و احکام آنها، باید به ادله شرعی مراجعه نمود.

مفاهیم «عرفی و عقلایی» به مفاهیمی اطلاق می‌شود که شارع در ایجاد عنوان و معنوی آنها هیچ‌گونه دخالتی ندارد. این مفاهیم به اعتبار معنوی آنها، به انواعی تقسیم می‌شود:

الف. مفاهیم عرفی تکوینی: مانند عنوان گندم که عرف و عقلا بر امور تکوینی موجود در خارج اطلاق می‌کنند.
 ب. مفاهیم عرفی اعتباری: معنوی این مفاهیم، به وسیله عرف و عقلا وضع و اعتبار می‌شود، یا اینکه عرف و عقلا آن وضع و اعتبار را می‌پذیرد. برای مثال، برای برطرف کردن مشکلات مبادلات پایاپای، پذیرفته‌اند که از شیء خاصی تحت عنوان پول، با برعهده‌گرفتن وظایفی، در مبادله‌ها استفاده شود.

ج. مفاهیم عرفی انتزاعی: این مفاهیم، عرفی و عقلایی به‌شمار می‌روند؛ اما نه به این معنا که عرف و عقلا آنها را وضع و اعتبار کرده باشند، بلکه آنها بعضی از اشیا را به‌گونه‌ای به‌کار می‌گیرند که از نحوه به‌کارگیری شان، آن مفاهیم خاص برای آن اشیا، انتزاع می‌شود. برای مثال، عقلا در زندگی خود، برای به دست آوردن بعضی اشیای مفید - مانند گندم - حاضرند از چیزهایی که نزدشان ارزش دارد، چشم‌پوشند. از این رفتار، عنوان مال برای گندم انتزاع می‌شود؛ اما برای مثال، هوا، چنین رفتاری را اقتضا نمی‌کند. از این رفتار آنها در مقابل هوا، می‌توان فهمید که عرف، هوا را مال نمی‌داند.

د. مفاهیم عرفی خاص: مثل تورم، سود، ثروت که عرف خاصی مانند عرف اقتصادی، آنها را اعتبار می‌کند (ر.ک: یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۸۹ - ۹۴).

ه. مفاهیم ارزش‌محور: مفاهیم ارزش‌محور مفاهیمی هستند که مبانی هستی‌شناختی در تولید و تفسیر آنها مؤثر است و در جهت‌دهی اذهان و علوم انسانی نقش اساسی دارند. بنابراین، در تفسیر و استفاده از آنها، لازم است به مبانی هستی‌شناختی، که این مفاهیم از آنها استخراج می‌شود، توجه نمود. نوع نگاه انسان به جهان، حیات دنیا و آخرت و هدف آفرینش، تأثیر غیر قابل انکاری در ایجاد و نوع تفسیر از آنها دارد. به همین سبب، به این نوع مفاهیم، مفاهیم ارزش‌محور می‌گوییم.

لازم به ذکر است که این اصطلاح در نوشته‌های متعارف اقتصادی و غیر اقتصادی وجود ندارد، اما نقش مهمی در جهت‌دهی اذهان و علوم انسانی دارد. بنابراین، باید به آن دقت کرد. همچنین با توجه به مطالب ارائه شده، روشن می‌گردد که در بحث مفاهیم ارزش‌محور، روش استخراج آنها از مبانی هستی‌شناختی و نقش آنها در جهت‌دهی اذهان و دانش اقتصاد با بحث امور اخلاقی و ارزشی در اقتصاد دو مقوله جدا از هم هستند. این مفاهیم به خاطر ارزش‌محور بودن، ارائه هرگونه تفسیری از آنها، در سمت و سوی افراد و کل نظام اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار است. این مفاهیم همچنین در توسعه و تضییق معانی، رفتارها و روابط نقش جدی دارند. مفاهیمی مانند: سود، بخش خصوصی، مالکیت خصوصی، رقابت اقتصادی، انحصار اقتصادی و اهداف اقتصادی از این قبیل هستند.

از آن رو که موضوع اصلی این نوشتار مفاهیم ارزش‌محور بوده و در سامان‌دهی نظام اقتصادی تأثیرگذار است، این بحث به اختصار از منظر رهبر معظم انقلاب نیز بررسی می‌گردد؛ زیرا ایشان تبیین دقیقی نسبت به تأثیر مفاهیم ارزش‌محور دارند. مطابق نظر ایشان، این مفاهیم متأثر از مبانی هستند و استفاده از آن مفاهیم اثراتی را بر جهت‌دهی ذهن می‌گذارد. ایشان این مطلب را با مثالی از مفاهیم جامعه‌شناسی مارکس توضیح

می‌دهند. از نظر ایشان، مفاهیم جامعه‌شناسی یا تاریخی مارکس وسیله‌ای برای القای تفکرات ماتریالیستی و فلسفی مارکس هستند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۰ / ۰۶ / ۳۱).

بنابراین، مفاهیم بسیار مهم هستند و باید با دقت به کار گرفته شوند. مطابق نظر مقام معظم رهبری، ما مفاهیم اساسی خود را از مبانی اسلامی گرفته‌ایم و این یکی از تفاوت‌های مفاهیم اسلامی با غیراسلامی است؛ زیرا مفاهیم غیراسلامی از قراردادهای اجتماعی گرفته شده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۲/۲۲). از این رو، با توجه به اهمیت مفاهیم در اثرگذاری بر ذهن و تفاوت اساسی مفاهیم اسلامی با مفاهیم غیر اسلامی، برای ایجاد یک نهضت و حرکت عمومی، مفهوم‌سازی و یا واژه‌سازی بر اساس مبانی، از اهمیت خاصی برخوردار است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰ / ۰۷ / ۰۷). بر همین اساس، انقلاب اسلامی ایران توانسته است مفاهیم جدیدی را در عرصه‌های گوناگون از جمله سیاست، وارد فضای بین‌المللی کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱/۱). اما این مفهوم‌سازی آن گونه که قابل انتظار است در علوم انسانی اتفاق نیفتاده است.

ما بخصوص در زمینه علوم انسانی، برخلاف آنچه انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم را - چه در زمینه اقتصاد و چه در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست - به شکل وحی مُنزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به صورت فرمول‌های تغییر نکردنی در ذهنمان جاداده‌ایم و بر اساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه‌ی خودمان را تنظیم کنیم! گاهی که این فرمول‌ها جواب نمی‌دهد و خراب درمی‌آید، خودمان را ملامت می‌کنیم که ما درست به کار نکرده‌ایم، در حالی که این روش، روش غلطی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۸/۸).

ایشان در گفتاری بیان می‌دارند که ما در علوم انسانی، مفاهیم مختلفی را از غرب گرفتیم و حتی مفاهیم اسلامی را هم بر اساس مفاهیم غربی تفسیر کردیم:

یکی از مشکلات ما در طول این سال‌ها این بوده که افرادی آمده‌اند مفاهیم اسلامی را با مفاهیم غربی ترجمه کرده‌اند؛ حرف‌های غربی‌ها را تکرار کرده‌اند؛ دنبال تحقق آنها بودند. در حالی که انقلاب اسلامی برای این نیست. مفاهیم اسلامی مورد نظر است؛ عدالت با معنای اسلامی خود، آزادی با معنای اسلامی خود؛ کرامت انسان با معنای اسلامی خود؛ که اینها همه در اسلام روشن است، مبین است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰ / ۰۷ / ۲۴).

بنابراین، ما باید با توجه به مفاهیم اسلامی، علوم انسانی خودمان را سامان دهیم. رهبر معظم انقلاب از ابتدای انقلاب، خود پرچمدار تحول در مفاهیم بوده‌اند. ایشان در موارد بسیاری تفاوت بین مفاهیم اسلامی و غربی را متذکر شده‌اند. همچنین مفاهیم ارزش‌محور بسیاری را مطرح می‌کنند که باید منطبق با مبانی اسلامی تفسیر شوند. در ادامه، برای نمونه به دو مفهوم اقتصادی اشاره می‌کنیم:

یکی از مفاهیم اساسی، که ایشان به آن اشاره می‌کنند، «آزادی اقتصادی» است. از نظر ایشان، آزادی اقتصادی در اسلام، متفاوت با آزادی اقتصادی در نظام سرمایه‌داری است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۶ / ۰۷ / ۲۴).

نمونه دیگر، مفهوم «توسعه» است. از نظر ایشان کلمه توسعه یک بار ارزشی و معنایی دارد و التزاماتی با خودش دارد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

نقش مفاهیم ارزش‌محور نظام سرمایه‌داری در سامان‌دهی ساختار اقتصادی آن

به منظور تبیین نقش مفاهیم ارزش‌محور در سامان‌دهی ساختار نظام اقتصادی سرمایه‌داری، لازم است چگونگی پیدایش برخی از اساسی‌ترین مفاهیم اقتصادی بر اساس مبانی هستی‌شناختی آن نظام بررسی شود.

مبانی خدانشناسی نظام سرمایه‌داری «دئیسم» بوده است. دئیسم به معنای مشهورش، تأکید می‌کند که موجودی متعالی، جهان را آفرید؛ ولی پس از آن همچون مالکی غایب، آن را رها کرد تا به تنهایی تداوم یابد. در واقع، این تفکر به معنای قبول خالقیت و نفی ربوبیت خداوند است. بر اساس این اعتقاد، خداوند جهان و قوانین حاکم بر آن را آفرید، ولی در کارهای آن دخالت نمی‌کند (زیرا - مثلاً - تغییر دادن قوانین به خاطر دعا، عبارت است از: نقض قوانین خودش). دئیسم خداپرستی بدون اعتقاد به پیامبران و مسائل دیگر مذهبی است (فرهنگ آکسفورد). بنابراین، بر اساس مبانی هستی‌شناختی نظام سرمایه‌داری، اراده الهی به عنوان خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی منتفی شده است. از آن رو که اقتصاد دانشی درباره رفتارها و روابط انسان در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است، بنابراین، اراده انسان به عنوان خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی و همه ابعاد و اجزای آن قرار گرفته است. بدین سان، صورت نظام اقتصادی و همه ابعاد و اجزای آن مبتنی بر خواست و اراده انسان شکل گرفته و اراده و خواست انسان جایگزین اراده خداوند شده است. با تحلیل رفتار چنین انسانی، که بریده از عالم اعلا و عقباست، این نتیجه حاصل می‌شود که این انسان در حوزه رفتارهای اقتصادی، چیزی جز منفعت و لذت مادی را هدف فعالیت‌های اقتصادی خود قرار نمی‌دهد. بر این اساس، هدف کسب منفعت مادی وارد ادبیات علمی شد. در علم اقتصاد، این هدف برای مصرف‌کننده در حداکثرسازی مطلوبیت و برای تولیدکننده در حداکثرسازی سود تجلی می‌یابد. با توجه به مبانی نظام اقتصادی سرمایه‌داری، پیگیری هر هدفی غیر از هدف بیان شده، رفتاری غیرعقلایی محسوب می‌شود. این هدف به عنوان پیش‌فرض تمام علوم اقتصادی نظام سرمایه‌داری خرد و کلان قرار گرفته است. جامعه علمی اقتصاد اسلامی و نیز اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به سبب توجه نکردن به روش تولید مفاهیم ارزش‌محور نظام اقتصادی سرمایه‌داری و نقش آنها در جهت‌دهی اذهان و علوم اقتصادی، نتوانسته است خود را از آثار مخرب آنها حفظ کند (یوسفی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۵۹).

با توجه به بی‌نهایت طلبی انسان و هدف‌گیری حداکثر منفعت مادی، بحث خواسته‌های مادی نامحدود انسان شکل می‌گیرد. با توجه به محدودیت منابع، تزاخم بر سر کسب منافع بیشتر مادی در بین فعالان اقتصادی اتفاق می‌افتد. از آن رو که تأمین هدف ناشی از مبانی، امر مقدس و ارزشمندی است، پس در هنگام تزاخم منافع، کسب منافع بیشتر امری مجاز، بلکه مطلوب و مقدس است. بنابراین، اصل رفتاری رقابت برای بدست آوردن منافع بیشتر توجیه می‌شود و از این رو، به عنوان مهم‌ترین اصل رفتاری نظام اقتصادی سرمایه‌داری به‌شمار آمده است. توجه شود

که هم هدف «حداکثرسازی منفعت مادی» و نیز اصل رفتاری «رقابت آزاد اقتصادی» از الغای خدامحوری و اثبات انسان‌محوری ناشی می‌شود و هم مفاهیم و رفتارها معمولاً در چارچوب قواعد فقهی حداقلی تحلیل و به عنوان امری مطلوب در اقتصاد اسلامی پذیرفته شده و همین آثار مخربی به دنبال داشته است (همان).

پس فعالان اقتصادی بر اساس هدف کسب منفعت و اصل رفتاری «رقابت آزاد اقتصادی»، حق دارند هر مقداری از مالکیت اقتصادی را به خود اختصاص دهند. بنابراین، در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، مالکیت خصوصی مطلق اصل قرار می‌گیرد (کرمی و دیرباز، ۱۳۸۴، ص ۲۱).

از آن رو که هر بخش اقتصادی با سه مؤلفه هدف فعالان اقتصادی، اصل رفتاری اقتصادی و نوع مالکیت شکل می‌گیرد، با کنار هم قرارگرفتن این سه مؤلفه هدف: حداکثر ساختن منفعت مادی، رقابت آزاد اقتصادی و مالکیت خصوصی، بخش اقتصادی به نام «بخش خصوصی» در سرمایه‌داری شکل گرفت و مطابق مبانی نظام اقتصادی سرمایه‌داری، تنها بخش اقتصادی قلمداد شد. البته در طول تاریخ، تحولات اقتصادی، مشکلات و مسائل دیگری نیز اتفاق افتاد که اکنون درصدد بیان آنها نیستیم.

بنابراین، مشخص شد مهم‌ترین مفاهیم اقتصاد سرمایه‌داری نظیر حداکثر سازی منفعت مادی، رقابت آزاد اقتصادی، مالکیت خصوصی و بخش خصوصی از مبانی هستی‌شناختی آن نظام سرچشمه گرفته و دارای معانی خاصی است. بر اساس همین مفاهیم ارزش‌محور نظام اقتصادی سرمایه‌داری، بسیاری از امور اقتصادی دیگر و نیز وظایف برخی نهادها تعیین می‌شود. بدین‌روی، حرص، رباخواری، حتی رفتار انحصارگرایانه برای کسب منافع بیشتر و مانند آن قابل دفاع و توجیه می‌نماید و وظایف نهادهایی مانند دولت، تنها در جهت تأمین منافع منفعت‌طلبان و سودجویان توجیه می‌شود. همین مفاهیم نظام اقتصادی سرمایه‌داری با توجه به نقش آنها، با کمی تعدیل و اصلاح به حوزه ادبیات علمی اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران راه یافت و نظام اقتصادی را شکل داد. این امر درحالی رخ می‌دهد که وقتی به بررسی مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام توجه می‌کنیم، می‌یابیم که تفاوت‌ها در حد توحید و شرک است! (یوسفی، ۱۳۹۵، ج، ص ۱۵۹).

برای روشن شدن این امر، در ادامه، مفاهیم ارزش‌محور نظام اقتصادی اسلام و نقش آنها در ساماندهی ساختار نظام اقتصادی اسلام را به صورت مختصر بررسی می‌کنیم.

نقش مفاهیم ارزش‌محور نظام اقتصادی اسلام در ساختار آن

منطق حرکت از مبانی به ساختار، در نظام اقتصادی سرمایه‌داری روشن شد. بر اساس مبانی و نوع جهان‌بینی مؤثر در عرصه اقتصادی، هدف یا اهداف فعالان اقتصادی استخراج می‌شود. برای تحقق آن هدف، اصل رفتاری و نوع مالکیت متناسب با آن هدف مشخص می‌شود. سه مؤلفه هدف، اصل رفتاری، و نوع مالکیت، ساختار اقتصادی را مشخص می‌کند. این منطق حرکت، یک منطق محکم و قابل قبول است. در واقع، بر اساس این منطق، می‌توان مبانی و نوع جهان‌بینی را به تمام ابعاد زندگی اقتصادی تعمیم داد. این منطق

نشان می‌دهد که چگونه مبانی و نوع جهان‌بینی مفاهیمی را تولید می‌کند که ساختار اقتصادی را سامان می‌دهد. در ادامه، همین منطق بر اساس مبانی و نوع جهان‌بینی اسلامی برای تولید و ایجاد مفاهیم ارزش‌محور به‌منظور تعیین ساختار نظام اقتصادی اسلام دنبال می‌گردد.

لازم به ذکر است که تمام نحله‌های فکری در حوزه اقتصادی در بحث مبانی هستی‌شناختی اقتصادی، ابتدا رابطه خدای متعال با جهان هستی و انسان‌ها را مشخص می‌کنند و سپس بر اساس آن نوع خدانشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی خود را ارائه می‌دهند.

مهم‌ترین مسئله در بحث مبانی نظام اقتصادی اسلام، توحید افعالی و عملی نسبت به خدای متعال است. بر اساس توحید افعالی، خدای متعال هم خالق جهان هستی و هم مدبر آن است. خدای متعال، جهان ماسوای الهی (جهان اکبر تکوین، اعم از دنیا و عقبا) و جهان اصغر تکوین (انسان) را احسن آفریده است. کل عالم تکوین اکبر دائم در حرکت به سمت خدای متعال است. برای اینکه انسان نیز همراه با کاروان هستی در مسیر کمال و خیر محض قرار گیرد، خدای متعال، عالم تشریح، را نیز به نحو احسن آفریده است تا انسان با بهره‌مندی از آموزه‌های عالم تشریح به خیر و کمال برسد (یوسفی، ۱۳۹۵، ب، ص ۱۴۱-۱۷۰). بر اساس آموزه‌های عالم تشریح، خدای متعال تمام نعمت‌های دنیا و عقبا را برای بهره‌مندی همه انسان‌ها آفریده است. پس انسان‌ها در تمام عرصه‌های زندگی خود، باید به گونه‌ای عمل کنند تا هم از نعمت‌های دنیوی و هم اخروی بهره‌مند شوند. بنابراین، هر فعال اقتصادی بر اساس مبانی اسلامی، اگر به قصد تقرب به خدای متعال، تأمین منافع شخصی، تأمین منافع سایر فعالان اقتصادی یا سایر مردم، تأمین منافع خود و سایر فعالان اقتصادی و نیز تأمین رفاه عموم مردم جامعه فعالیت کند، - همه - رفتاری عقلایی محسوب می‌شود؛ یعنی بر اساس مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام، هر فعال اقتصادی حق دارد به عنوان رفتاری عقلایی، چهار نوع هدف را در عرصه اقتصادی نسبت به منافع سایر فعالان اقتصادی دنبال کند:

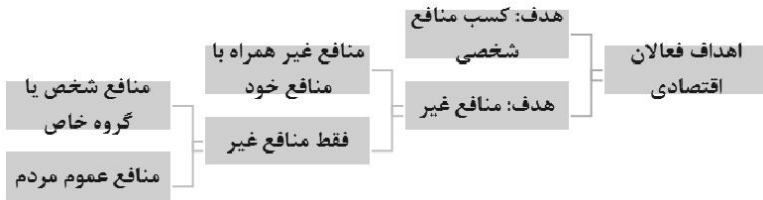
۱. فعالیت اقتصادی با هدف تأمین منافع مادی شخصی فعال اقتصادی؛

۲. فعالیت اقتصادی با هدف تأمین نیازهای مادی سایر مردم؛

۳. فعالیت اقتصادی با هدف تأمین منافع مادی خود و نیز سایر فعالان اقتصادی؛

۴. فعالیت اقتصادی با هدف تأمین رفاه عموم مردم.

توجه شود که با توجه به پیش‌فرض بحث (نگاه هر فعال اقتصادی در عرصه فعالیت اقتصادی نسبت به تأمین منافع خود و سایر فعالان اقتصادی) بر اساس مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام، این چهار نوع هدف به حصر عقلی حاصل می‌شود؛ زیرا هر فعال اقتصادی یا تنها منافع مادی شخصی خود را دنبال می‌کند یا منافع غیر را. در فرض دوم، یا منافع غیر را همراه با منافع خود دنبال می‌کند یا فقط منافع غیر را دنبال می‌کند. منافع غیر، یا برای شخص و گروه خاصی است یا برای عموم مردم. این حصر عقلی در نمودار ذیل نشان داده شده است:



نمودار (۱): اهداف فعالان اقتصادی بر اساس حصر عقلی

پیگیری هر یک از چهار نوع هدف اگر به قصد قربت باشد، منافع معنوی و اخروی نصیب فعال اقتصادی می‌کند، و با توجه به گستردگی بی‌بدیل و پایداری منافع اخروی، پیگیری هر چهار نوع هدف در رفتارهای اقتصادی، رفتاری عقلایی محسوب می‌شود.

مطابق منطقی که بیان شد و درباره نظام اقتصادی سرمایه‌داری توضیح داده شد، تحقق هر یک از اهداف چهارگانه، نیازمند اصل رفتاری و نوع مالکیت خاصی است؛ یعنی پیگیری چهار نوع هدف، چهار نوع اصل رفتاری و چهار نوع مالکیت متناسب با تحقق چهار نوع هدف نیاز دارد تا اهداف فعالان اقتصادی در فرایند اقتصادی نهادینه شوند. بر اساس مطالب گذشته، هر ساختار یا بخش اقتصادی با سه مؤلفه هدف فعالیت اقتصادی، اصل رفتاری و نوع مالکیت مشخص می‌شود. پس باید انتظار چهار نوع ساختار یا بخش اقتصادی را بر اساس مبانی هستی‌شناختی اسلامی داشته باشیم که در ادامه، توضیح داده می‌شود و روشن می‌گردد که چگونه مفاهیم ارزش‌محور از مبانی هستی‌شناختی، تولید و استخراج می‌شوند و نقش جدی در تعیین ساختار اقتصادی دارند:

یکم. پیگیری منافع مادی شخصی بر اساس آموزه‌های اسلامی

با توجه به مبانی خداشناسی، به مقتضای توحید عملی، اگر انسان بخواهد به سعادت و کمال برسد، باید اراده و فعل خود را همسو با خواست و اراده الهی همسو گرداند. به عبارت دیگر، اراده الهی را مبنای تعیین هدف اقتصادی قرار دهد. اراده الهی چنین قرار گرفته که تمام نعمت‌های جهان برای انسان آفریده شده است؛ چنان که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره: ۲۹). او خدایی است که همه آنچه را (از نعمت‌ها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید. در واقع، حرکت به سمت خدای متعال و تحقق توحید عملی، نیازمند توانایی و سلامت جسمی است. به همین سبب امام باقر(ع) در دعای خود، رفاه و توانایی را از خدا می‌خواهد تا بتواند او را عبادت کند و به سعادت برسد (طوسی، بی‌تا، ص ۸۴).

شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

بر اساس جهان‌بینی اسلامی، بین مواهب و نعمت‌های خدادادی عالم و انسان، رابطه غایی وجود داد؛ یعنی نوعی شعور کلی بر نوامیس عالم حاکم است که چیزی را برای چیزی دیگر به‌وجود می‌آورد، و اگر دومی نبود اولی به‌وجود نمی‌آمد. در قرآن کریم، مکرر تصریح گردیده که بر اساس ناموس خلقت، نعمت‌های عالم برای انسان آفریده شده

است. این مواهب مال انسان و حق اوست. قرآن می‌فرماید: «خَلَقَ لَكُمْ مَآ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» همان‌گونه که تفکر فلسفی ما را به سمت رابطه غایی خلقت انسان و مواهب الهی هدایت می‌کند؛ یعنی مواد غذایی و انسان برای یکدیگر آفریده شده‌اند. بنابراین، این حق را قانون خلقت و آفرینش مقدم بر قانون شرع قرار داده است. هم قانون خلقت و هم قانون شرع از جانب خداوند است و خداوند، قانون شرع را هماهنگ با قوانین فطرت و خلقت مقرر فرموده و معنای فطری بودن دین نیز همین است.

بنابراین، به مقتضای توحید افعالی و عملی و اینکه اراده الهی خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی قرار گیرد، منافاتی با پیگیری منافع مادی شخصی در فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد. اما پیگیری منافع مادی شخصی هرگز اقتضای خودخواهی و انحصارطلبی و محروم ساختن دیگران را ندارد.

بر اساس مبانی جهان‌شناسی اسلامی، تمام نعمت‌های دنیا و آخرت برای بهره‌مندی همه انسان‌ها آفریده شده است. به مصداق آموزه‌های اسلامی مانند «الدنيا مزرعه الآخرة»، بهره‌مندی از نعمت‌های دنیایی باید به‌گونه‌ای باشد که تا بستر بهره‌مندی از نعمت‌های آخرتی برای انسان‌ها فراهم کرد. بنابراین، پیگیری منافع مادی شخصی با این ویژگی، افزون بر آنکه اقتضای خودخواهی و انحصارطلبی مادی را ندارد، رعایت حقوق مادی سایرین در فرایند فعالیت‌های اقتصادی را مد نظر دارد. همچنین بر اساس مبانی انسان‌شناسی، انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است. انسان رو به کمال کسی است که هر یک از این دو بعد را در مسیر تکامل قرار دهد.

بر اساس مبانی جامعه‌شناختی نظام اقتصادی اسلام (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳ - ۱۳۰)، نظریه اصالت فرد و جامعه، نزدیک‌ترین نظریه به آموزه‌های اسلامی است. بنابراین، اهداف شخصی انسان‌ها در تمام عرصه‌ها، از جمله عرصه اقتصادی به رسمیت شناخته می‌شود. پس همه انسان‌ها حق دارند در رفتارهای اقتصادی خود، پیگیری منافع مادی شخصی را هدف خود قرار دهند. از سوی دیگر، با نگاه به اصالت جامعه، انسان حق ندارد در پیگیری این هدف، رفتاری خودخواهانه و انحصارگرایانه داشته باشد تا سایر فعالان اقتصادی را محروم کند و همه چیز را تنها برای خود بخواهد. بنابراین، پیگیری هدف منافع مادی شخصی با ویژگی بیان شده مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی اسلامی امری کاملاً معقول و منطقی است. همین بیان نشان می‌دهد که مفهوم پیگیری منفعت مادی شخصی در نظام اقتصادی اسلام، با مفهوم پیگیری منفعت مادی شخصی در نظام اقتصادی سرمایه‌داری چقدر متفاوت است. یکی اقتضای رفتار انحصارگرایانه، خودخواهانه و محروم ساختن دیگران دارد و دیگری خلاف آن. همین نوع تفاوت، تفاوت‌هایی را در استخراج نوع اصل رفتاری و مالکیت دارد.

الف. اصل متناسب با هدف منافع مادی شخصی از منظر اسلام (اصل رفتاری سودجویی مسئولانه)

بر اساس مبانی نظام اقتصادی اسلام در پیگیری هدف منافع مادی شخصی، خودخواهی، محروم ساختن سایر فعالان اقتصادی و انحصار منافع مادی مطلوب نیست. پس اصل رقابت آزاد اقتصادی منتفی است (ر.ک: یوسفی، ۱۳۹۵ب، ص ۴۶۲ - ۴۸۵). بنابراین، هر انسان مسلمانی برای تولید و تکثیر ثروت و منافع مادی شخصی، حق دارد

از همه ظرفیت‌های فکری، جسمی و اقتصادی خود با رعایت حقوق دیگران استفاده کند. به نظر می‌رسد این رفتار اقتصادی را می‌توان «اصل رفتاری سودجویی مسئولانه» نامید؛ یعنی همه انسان‌ها ضمن پذیرش برخی مسئولیت‌های حقوقی نسبت به سایر فعالان اقتصادی، حق دارند در عرصه اقتصادی رفتاری سودجویانه داشته باشند (یوسفی، ۱۳۹۴، ص ۵۱۰ - ۵۱۷). مسئولیت‌های انسان در برابر حق بهره‌مندی از اصل سودجویی نیز بدان روست که بتواند منافع خود را در حیات دنیوی و اخروی‌اش بیشینه کند. بنابراین، این مسئولیت‌ها برای تأمین و تکمیل مصالح انسان، جعل و تشریح شده‌اند. مسئولیت‌های انسان در برابر حق بهره‌مندی از اصل سودجویی دو دسته است: مسئولیت‌های حقوقی: مسئولیت‌های حقوقی، مسئولیت‌هایی هستند که ضمانت اجرایی دولتی دارند و دولت اسلامی حق دارد مردم را وادار به عمل به آنها کند و نیز خود فرد موظف به برنامه‌ریزی برای تحقق آنهاست. برخی از این مسئولیت‌ها عبارت است از: مسئولیت در برابر مال و ثروت خود (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۳۵۱ - ۳۶۳)، مسئولیت در برابر مال و ثروت سایر مردم (میرمزی، ۱۳۸۶) و مسئولیت رفع فقر و تأمین رفاه عمومی (حر عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۳۸۷ - ۳۹۰؛ یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۷ - ۳۳۲ و ۴۲۱ - ۴۲۴).

مسئولیت‌های اخلاقی: مسئولیت‌هایی هستند که ضمانت اجرایی دولتی ندارند و تنها ضمانت اجرایی آنها تبلیغ و تربیت انسان‌هاست. این قبیل ارزش‌ها عبارتند از: انصاف، رفق و مدارا، راستگویی، حسن خلق، وفاداری، و پرهیز از اسراف، تبذیر، تقطیر و مانند آن.

ب. مالکیت متناسب با هدف منافع مادی شخصی از منظر اسلام

بیان شد که پیگیری هر نوع هدف اقتصادی، اقتضای ساختار مالکیتی خاصی را دارد. هدف منافع مادی شخصی با توجه به ویژگی‌هایش بر اساس آموزه‌های اسلامی، متناسب با مالکیت فردی است. در چارچوب این نوع مالکیت، فعالان اقتصادی می‌توانند منفعت مادی خود را دنبال کنند.

ج. بخش اقتصادی متناسب با هدف منافع مادی شخصی از منظر اسلام

وقتی در ساختار اقتصادی، هدف فعالیت‌های اقتصادی حداکثر ساختن منافع مادی شخصی، اصل رفتاری نیز سودجویی و مالکیت متناسب با آن هدف و اصل رفتاری، مالکیت فردی باشد، باید انتظار داشت تا به تدریج، تجمیع مالکیت گسترده منابع و محصول تولیدی در اقتصاد اتفاق بیفتد. چنانکه بیان شد، این بخش اقتصادی آموزه‌های اسلامی تأیید می‌شود. در این بخش، مالکیت منابع تولیدی و محصول تولیدی و نیز فرایند مدیریتی تابع سرمایه و صاحب آن است. بیشتر نیروهای کار ماهر، نیمه ماهر و ساده به استخدام سرمایه و صاحب سرمایه درمی‌آیند و باید به دستمزدی که می‌گیرند، اکتفا کنند و نقشی در فرایند مدیریتی فعالیت اقتصادی ندارند. بنابراین، به نظر می‌رسد، بهترین واژه برای نام‌گذاری این بخش از فعالیت‌های اقتصادی، اقتصاد بخش سرمایه‌محور اسلامی است (یوسفی، ۱۳۹۵ب، ص ۲۰۱ - ۲۲۷).

دوم. پیگیری منافع مادی دیگران

پس از فاصله گرفتن نظام‌های اقتصادی از ارزش‌های اخلاقی، بشر شاهد بی‌عدالتی، فقر گسترده و بحران‌های اقتصادی فراوانی شد. به همین سبب، در دهه‌های اخیر، از سوی اندیشمندان اقتصادی، رویکرد اخلاقی به اقتصاد، آغاز شد. بدین روی، بخش دیگری به نام «اقتصاد بخش بدون سود» شکل گرفته است (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص ۳۴۴-۳۶۷). به‌رغم تلاش‌های فراوانی که در چند دهه اخیر برای اجرایی کردن ارزش‌های اخلاقی در سطح بین‌المللی صورت گرفته است، اما موفقیت‌چندانی در این زمینه حاصل نشده و اقتصاد بین‌المللی با بحران مواجه گردیده و فقر و شکاف طبقاتی گسترده‌تر گردیده و مشکل اصلی همچنان باقی است (یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۶۳۱-۶۴۷). مشکل اصلی ناکامی اقتصادی بخش بدون سود را باید در مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی حاکم در دنیا (نظام سرمایه‌داری) جست‌وجو کرد؛ زیرا بر اساس مبانی هستی‌شناختی نظام سرمایه‌داری، اگر انسان در فعالیت‌های اقتصادی، نفع شخصی را ترجیح دهد، از لذت‌های بیشتری بهره‌مند خواهد شد و در نتیجه، خود را سعادتمندتر می‌بیند و این رفتار، یک رفتار عقلایی محسوب می‌شود و پیگیری منافع مادی دیگران، رفتاری غیر عقلایی محسوب می‌گردد. جالب است توجه شود که در ادبیات اقتصادی نظام سرمایه‌داری، واژه «اقتصاد بخش بدون سود» برای این بخش از فعالیت اقتصادی بکار گرفته شده است؛ زیرا بر اساس مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی سرمایه‌داری، نعمت‌های اخروی هیچ جایگاهی در فعالیت‌های اقتصادی ندارند. این در حالی است که آموزه‌های اسلامی سرشار از دستورات ناظر به کمک به دیگران است. برای نمونه، در سوره انعام آمده است: «هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت» (انعام: ۶۰).

الف. اصل متناسب با پیگیری منافع مادی دیگران (اصل یاریگری)

متناسب با هدف بیان شده، بخشی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه برای تأمین منافع مادی دیگران انجام می‌شود. بنابراین، اصل رفتاری متناسب با هدف بیان شده، اصل رفتاری یاریگری نامیده می‌شود. هرچند مبانی هستی‌شناختی بیان شده در تأیید این اصل رفتاری کفایت می‌کند، اما توجه به آموزه‌های اسلامی، از قبیل نافع به حال دیگران بودن (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۶ و ۷؛ هندی، ۱۴۰۹، ق، ۴۴۱۵۴)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۴) و برادری در اسلام (حجرات: ۱۰؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۵-۱۶۷ و ۱۶۹-۱۷۴؛ تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۹۴، ش ۱۵۲۷) در تثبیت این اصل، نقش مهمی دارند.

ب. نوع مالکیت متناسب با پیگیری منافع مادی دیگران

فعالیت اقتصادی با هدف تأمین منافع مادی دیگران، یک فعالیت کاملاً آزادانه و اخلاقی است. بنابراین، نوع مالکیتی که در ساختار این بخش از فعالیت اقتصادی بکار گرفته می‌شود، اعم از مالکیت فردی و مشاعی است.

ج. بخش اقتصادی متناسب با تأمین منافع مادی دیگران

این نوع فعالیت اقتصادی با هدف تأمین منافع مادی دیگران و اخروی خویش صورت می‌گیرد. همچنین اصل

رفتاری اقتصادی، اصل «یاریگری» است و نیز مالکیت متناسب با آن، مالکیت فردی و مشاعی است. با توجه به ویژگی‌های بیان شده، به نظر می‌رسد واژه متناسب با این نوع فعالیت اقتصادی، اقتصاد بخش خیرخواهانه باشد. تعبیر به اقتصاد بخش بدون سود، تعبیری اشتباه و جهت‌دهنده به سوی مبانی غیر اسلامی است.

سوم. پیگیری منافع مادی خود و دیگران

این هدف در دو نوع ساختار اقتصادی متفاوت و به دو گونه پیگیری می‌شود:

برخی فعالیت‌های اقتصادی توسط فعالان اقتصادی در ساختار خاصی با هدف حداکثر ساختن سود همه فعالان اقتصادی انجام می‌شود. ممکن است افرادی امکانات کافی اقتصادی و انسانی برای راه‌اندازی فعالیت اقتصادی نداشته باشند یا با همکاری و کمک دیگران سود بیشتری نصیب آنان شود. در این صورت، در درون ساختار خاصی به هدف بیان شده فعالیت اقتصادی را دنبال می‌کنند.

برخی فعالیت‌های اقتصادی توسط فعالان اقتصادی در ساختار خاصی به هدف تأمین نیازهای مادی همه فعالان اقتصادی، بلکه همه مردم پیگیری می‌شود.

در این زمینه، فعالیت‌های اقتصادی به نحوی سامان می‌یابد که همه فعالان اقتصادی در مالکیت منابع تولیدی و محصول تولیدی به‌طور واقعی سهیم بوده و در مدیریت فرایند اقتصادی مشارکت داشته باشند. در قرآن کریم تاکید شده است که انسان‌ها در امور نیک و تقوا با یکدیگر همکاری کنند: «تعاونوا علی البرّ و التقوی» (مائده: ۲). هر یک از این دو نوع هدف، در دو نوع ساختار اقتصادی پیگیری می‌شود که از جهتی شباهت‌های زیادی دارند؛ و از جهتی دیگر، با هم تفاوت دارند. اما به خاطر شباهت‌های فراوان دو نوع ساختار اقتصادی، به هر دو نوع ساختار، عنوان تعاونی اطلاق می‌شود. از سوی دیگر، هر یک از این دو نوع ساختار دارای مشابهت‌هایی با بخش سرمایه‌محور اسلامی هستند. بنابراین، به خاطر شباهت با بخش خصوصی سرمایه‌محور اسلامی، شاید بتوان هر یک از آنها را نوعی خاص از بخش خصوصی نظام اقتصادی اسلامی نامید. اما باید توجه داشت که کارکرد هر یک از این دو نوع ساختار اقتصادی، تفاوت‌های فراوانی با کارکردهای بخش خصوصی سرمایه‌محور اسلامی دارد. با توجه به تحلیلی که در سازگاری پیگیری منافع مادی شخصی با مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام بیان شد، به طریق اولی، آن مبانی با این نوع هدف سازگاری دارد. وقتی پیگیری منافع مادی شخصی با ویژگی‌های بیان شده در مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام سازگار باشد، پس به طریق اولی، در فعالیت‌های اقتصادی، هر فعال اقتصادی وقتی به دنبال منافع مادی خود و سایر فعالان اقتصادی باشد، با مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام سازگار خواهد بود.

الف. اصل متناسب با هدف پیگیری منافع مادی خود و دیگران (اصل رفتاری تعاون)

در این بخش، فعالان اقتصادی، مبتنی بر رفتار تعاون و مشارکت، اهداف اقتصادی را دنبال می‌کنند. اما ممکن است دیگران با

آن اقدام به رقابت مخرب کنند. در این صورت، آنان نیز حق دارند از باب «اعتداء بمثل» به رقابت، برخیزند. اما در این رقابت آنان ضمن بهره‌مندی از حق رقابت، مواجه با مسئولیت‌هایی هستند که پیش‌تر به برخی از آنها اشاره شد. بنابراین، اصل متناسب با هدف پیگیری منافع مادی خود و سایر فعالان اقتصادی، اصل «رفتاری تعاون» رقابت مسئولانه است.

ب. مالکیت متناسب با پیگیری منافع مادی خود و دیگران

وقتی هر فعال اقتصادی به هدف پیگیری منافع مادی خود و سایر فعالان اقتصادی تلاش می‌کند، مالکیت متناسب با این هدف، مالکیت مشاعی است. پیگیری منافع خود و سایرین به دو شکل ممکن است که متناسب با هر یک، نوع خاصی از مالکیت مشاعی نیاز است؛ زیرا مقصود از «سایران»، گاهی صاحبان سرمایه و نیروی کار - یعنی دو گروه از فعالان اقتصادی - است؛ و گاهی افزون بر دو گروه بیان شده، تقاضا کنندگان و مصرف کنندگان محصولات تولیدی نیز مقصود هستند. بنابراین، اگر فعالان اقتصادی شامل صاحبان سرمایه و نیروی کار باشند، مالکیت متناسب با هدف اقتصادی بیان شده، مالکیت مشاعی غیر فراگیر است. ولی اگر هر سه گروه فعال اقتصادی مقصود باشند، مالکیت متناسب با هدف بیان شده، مالکیت مشاعی فراگیر است.

ج. بخش اقتصادی متناسب با هدف منافع مادی خود و دیگران

این نوع ساختار اقتصادی در ادبیات اقتصادی، «اقتصاد تعاونی» خوانده می‌شود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد بخش تعاونی یکی از سه بخش اقتصاد ایران معرفی شده است. تفاوت اصلی این نوع ساختار اقتصادی با ساختار اقتصادی بخش خصوصی سرمایه‌محور، این است که در ساختار اقتصادی سرمایه‌محور، سرمایه، محور همه فعالیت‌های اقتصادی است؛ اما در این نوع ساختار اقتصادی، اعضا و فعالان اقتصادی، محور همه فعالیت‌های اقتصادی هستند. تمام اعضا و فعالان اقتصادی مالک منابع و محصول تولید هستند و در فرایند مدیریتی نقش جدی دارند. در دوران رونق اقتصادی، همه از منافع آن بهره‌مند می‌شوند و در دوران رکود اقتصادی، همه با بهره‌مندی کمتر تلاش بیشتر می‌کنند تا شرایط خود را تثبیت کنند. بنابراین، این نوع ساختار اقتصادی را می‌توان «اقتصاد بخش عضو محور» نام‌گذاری کرد.

چهارم، پیگیری رفاه عموم مردم جامعه

در کنار پی‌گیری سه هدف پیشین، که ناشی از مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام بوده است، برخی فعالیت‌های اقتصادی در عرصه ملی و برای تأمین رفاه عموم مردم انجام می‌شود؛ یعنی هدف فعالیت اقتصادی تأمین رفاه عموم مردم است. این فعالیت‌ها از قبیل سرمایه‌گذاری در انرژی هسته‌ای یا فراهم ساختن زیرساخت‌های فیزیکی اقتصادی است. این قبیل سرمایه‌گذاری چه‌بسا سود مادی برای دولت در پی نداشته باشد؛ اما برای تأمین رفاه عمومی باید انجام پذیرد. همچنین بخشی از وظایف اقتصادی دولت سامان‌دهی سه بخش دیگر اقتصادی است تا رفاه برای عموم مردم فراهم گردد. لزوم فعالیت‌های اقتصادی توسط دولت با توجه به منابع مالی گسترده در

اختیار دولت اسلامی (از قبیل خمس، زکات، انفال) و نیز وظایف اقتصادی، که برای دولت اسلامی قرار داده شده، روشن است (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۴۳۵ - ۴۶۹).

رسول گرامی ﷺ در گفتاری وظیفه حاکمیت اسلامی را برای تأمین نیازهای مردم و تأمین رفاه آنان چنین بیان می‌فرمایند: «هر حاکمی که مسئول امور مسلمانان باشد، اما بی‌ثابته در جهت رفاه و بهروزی آنان نکوشد، با آنان وارد بهشت نخواهد شد» (فراهانی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵).

۱- اصل رفتاری متناسب با هدف تأمین رفاه عمومی

دولت موظف است بستر بهرهمندی عموم مردم از نعمت‌های مادی الهی را در حد رفاه مطلوب فراهم کند. اگر لازمه تحقق این امر، اقدام دولت به تولید یا توزیع کالاها و خدمات ضروری نیازمندان جامعه باشد، دولت باید از موضع حاکمیتی، همه ابزارهای این امر را فراهم کند و تمام موانع را برطرف سازد. به عبارت دیگر، تأمین نیازهای افراد نیازمند در حد کفاف، یک وظیفه حاکمیتی دولت اسلامی است. بنابراین، دولت باید با سیاست‌گذاری مناسب نسبت به سایر بخش‌ها، نهادهای اقتصادی، افراد حقیقی و افراد حقوقی را به سمت تأمین نیازهای نیازمندان وادارد. اما اگر موفقیت کامل حاصل نشود، دولت برای تأمین رفاه نیازمندان، اقدام به تولید و توزیع می‌کند. همچنین برخی فعالیت‌های اقتصادی، که برای رفاه عمومی لازم است و فعالان سایر بخش‌های اقتصادی امکان یا علاقه به ورود به آن نوع فعالیت‌ها را ندارند، دولت به‌ناچار، با رویکرد حاکمیتی وارد این عرصه می‌شود. رویکرد حاکمیتی حق رفتار انحصارگرایانه به دولت می‌دهد. البته این رفتار انحصارگرایانه بدان معنا نیست که دولت مانع دیگران در تحقق این هدف شود، بلکه به این معناست که دولت تمام امکانات قانونی را برای تحقق این هدف درپیش می‌گیرد و به صورت قانونی و با قدرت تمام، موانع را برطرف می‌سازد و هیچ فردی یا نهادی حق ایجاد مانع برای دولت ندارد. به همین سبب، اصل رفتاری مناسب با تحقق این هدف، اصل رفتاری انحصارگرایانه نامیده می‌شود. رفتار انحصارگرایانه از منظر اسلام، نامطلوب است، اما انحصار دولتی با تبیینی که صورت گرفته، انحصاری مجاز و مباح است، بلکه چون تأمین همه نیازهای افراد نیازمند این نوع رفتار دولت بستگی دارد، می‌توان گفت: چنین رفتاری مطلوب و لازم است (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۳۶۵ - ۳۷۳).

۲- مالکیت متناسب با تأمین رفاه عمومی

یک نوع مالکیت، مالکیت دولت (امام) است. مقصود از مالکیت امام، مالکیت جایگاه امامت و رهبری است، نه مالکیت شخص امام. حاکمیت اسلامی افزون بر مدیریت مالکیت دولتی، سرپرستی مالکیت عمومی را نیز بر عهده دارد. مصادیق مالکیت امام، انفال و درآمدهای عمومی (از قبیل: خمس، زکات، جزیه و مالیات‌های حکومتی) است. مصادیق مالکیت عمومی عبارت است از: مباحات عامه؛ همچون آب رودخانه‌ها و چوب جنگل‌ها، مکان‌های عمومی که مالک خصوصی ندارند و زمین‌های مفتوح العنوه. بنابراین، مالکیت متناسب با هدف تأمین رفاه عمومی، مالکیت دولتی (امام) است.

۳- بخش اقتصادی متناسب با هدف تأمین رفاه عمومی

هدف تأمین رفاه عمومی در چارچوب اصل رفتاری انحصار دولتی و مالکیت عمومی پیگیری می‌شود. به عبارت دیگر، در ساختار اقتصادی، که تأمین رفاه عمومی هدف آن است، مالکیت و اصل رفتاری متناسب با آن، مالکیت امام و اصل رفتاری انحصار. با توجه به ویژگی‌های چنین ساختاری و رسالت دولت در اقتصاد، واژه متناسب با چنین ساختاری اقتصاد بخش حاکمیتی یا اقتصاد بخش دولتی است.

نتیجه‌گیری

واژه‌ها و مفاهیم ارزش‌محور اقتصادی ریشه در مبانی هستی‌شناختی هر نظام اقتصادی داشته، در جهت‌دهی اذهان اندیشمندان، علوم انسانی و اجزای یک نظام اقتصادی نقش مؤثری دارد. یکی از آنها در نوع ساختار نظام اقتصادی است. اولین واژه و مفهوم ارزش‌محور، که از مبانی استخراج می‌شود، اهداف فعالان اقتصادی است. بنابراین، اگر مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی با مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی دیگر تفاوت داشته باشد، اولین اثرش در اهداف فعالان اقتصادی باید ظاهر شود. بر اساس همین بررسی، روشن شد که نظام اقتصادی سرمایه‌داری تنها پیگیری یک نوع هدف (منفعت مادی شخصی) را تنها رفتار عقلایی معرفی می‌کند. ولی بر اساس مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام، چهار نوع هدف استخراج و معرفی شده، تولید و استخراج واژه‌ها و مفاهیم ارزش‌محور مبتنی بر اهداف فعالان اقتصادی ادامه می‌یابد. تحقق هر هدفی لاجرم نیازمند نوع اصل رفتاری و مالکیت خاص خود است. پس بر اساس هدف فعالان اقتصادی نظام سرمایه‌داری، یک اصل رفتاری (رقابت آزاد اقتصادی) و مالکیت خصوصی استخراج شد. اما بر اساس اهداف چهارگانه فعالان اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام، چهار نوع اصل رفتاری با چهار نوع مالکیت استخراج گردید. از آن رو که هر نوع هدف با اصل رفتاری و نوع مالکیت متناسب با هدف، یک نوع ساختار (بخش) اقتصادی را سامان می‌دهد، بنابراین، نظام اقتصادی سرمایه‌داری منطقی یک ساختار یک بخشی خصوصی سرمایه‌داری (سرمایه‌سالاری) است. اما متناسب با اهداف چهارگانه فعالان نظام اقتصادی اسلام، چهار نوع اصل رفتاری و چهار نوع مالکیت و یک نظام اقتصادی چهاربخشی منطقی استخراج شد: بخش سرمایه‌محور اسلامی با هدف تأمین منافع مادی شخصی، با اصل رفتاری «سودجویی مسئولانه و مالکیت خصوصی»؛ بخش خیرخواهانه با هدف پیگیری منافع مادی دیگران، با اصل رفتاری «یاری‌گری» و «مالکیت خصوصی و مشاعی»؛ بخش عضو‌محور با هدف تأمین منافع مادی خود و نیز سایر فعالان اقتصادی با اصل رفتاری «تعاون - رقابت مسئولانه» و «مالکیت مشاعی»؛ و بخش دولتی با هدف تأمین منافع عموم مردم با اصل رفتاری «انحصار‌گرایانه و مالکیت دولتی».

البته آنچه در این نوشتار بیشتر مطمح نظر قرار گرفت، تأثیر مفاهیم و واژه‌های ارزش‌محور بر ساختار نظام اقتصادی بود. اما این تأثیر ابعاد گسترده‌ای در رفتارها و روابط و نیز در نهادها و سازمان‌های اقتصادی دارد که در نوشتارهای دیگری باید بدان توجه شود.

منابع

- تمیمی آمدی، محمد، ۱۳۷۳، *غررالحکم و درر الکلم*، شرح محمد خوانساری، تهران، دانشگاه تهران.
- ایمان، محمدتقی، ۱۳۹۰، *میانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی*، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بخشایش اردستانی، احمد، ۱۳۸۴، «مفاهیم کندتر از مصادیق، بررسی تحول مفاهیم سیاسی در اندیشه سیاسی»، *اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر*، ش ۳۷، ص ۴۰-۴۴.
- حسینی خاضه‌ای، سیدعلی، ۱۳۷۰ / ۰۶ / ۳۱، *بیانات رهبر معظم انقلاب در درس خارج فقه*، در: Khamenei.ir.
- _____، ۱۳۸۲/۲/۲۲، *بیانات رهبر معظم انقلاب در دیلار اساتید دانشگاه شهید بهشتی*، در: Khamenei.ir.
- _____، ۱۳۹۰/۰۷/۲۲، *بیانات رهبر معظم انقلاب در دیلار بسیجیان استان کرمانشاه*، در: Khamenei.ir.
- _____، ۱۳۸۶/۱/۱، *بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی*، در: Khamenei.ir.
- _____، ۱۳۸۲/۸/۸، *بیانات رهبر معظم انقلاب در دیلار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها*، در: Khamenei.ir.
- _____، ۱۳۶۶/۰۷/۲۴، *بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران*، در: Khamenei.ir.
- _____، ۱۳۸۹/۹/۱۰، *بیانات رهبر معظم انقلاب در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی*، در: Khamenei.ir.
- پارسانیا، حمید، ۱۳۷۶، *علم سکولار و علم دینی*، همایش دین و دنیاگرایی.
- حر عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۳ق، *وسائل الشیعه*، بیروت، مؤسسه آل‌البیت.
- طوسی، محمدبن حسن، بی‌تا، *تهذیب الاحکام*، تعلیق علی اکبر غفاری، بی‌جا، مکتبه الصدوق.
- فراهانی، سعید، ۱۳۸۱، *نقش دولت در اقتصاد (مجموعه مقالات)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کریمی، محمدحسین و عسکر دیرباز، ۱۳۸۴، *مباحثی در فلسفه اقتصاد*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کریمی، محمدکاظم، ۱۳۸۸، «مروری بر نقش و جایگاه مفاهیم گروه، نهاد، جامعه و فرهنگ با نگاه تطبیقی به دیدگاه‌های اسلامی»، *فرهنگ پژوهش*، ش ۴، ص ۴۰ - ۴۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۳، *اصول الکافی*، تعلیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۲، «سیستم تجهیز و تخصیص منابع در اقتصاد بدون سود»، در: *مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی*، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۳۴۳ - ۳۶۷.
- _____، ۱۳۸۶، «رقابت و تعاون در نگرش اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۹، ص ۷ - ۳۴.
- هندی، علی متقی بن حسام الدین، ۱۴۰۹ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۱، *ربا و تورم*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____، ۱۳۸۶، *نظام اقتصاد علوی*، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____، ۱۳۹۴، *اقتصاد تعاونی از منظر اسلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____، ۱۳۹۵ (الف)، «بررسی روش شکل‌گیری نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، *حکومت اسلامی*، ش ۸۲، ص ۱۵۹ - ۱۸۹.
- _____، ۱۳۹۵ (ب)، *نظام اقتصاد مقاومتی «الگوی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام»*، تهران، نگاه فارسی.
- _____، ۱۳۹۵ (ج)، *میانی و مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی*، ایران، مقاومت.
- Turner, J.H, 1989, *Theory Building in Sociology. Assessing Theoretical Accumulation*, New Bury, (CA:sage).
- Oxford Dictionary*.